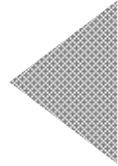


مقدمه‌ای بر استراتژی توسعه منطقه‌ای^۱ (RDS) با تأکید بر تجارب ایرلند شمالی، استونی، موراویای جنوبی و کردستان عراق^۲



مجید یاسوری^۳

مریم سجودی^۴

(تاریخ دریافت ۹۶/۲/۲ - تاریخ تصویب ۹۶/۴/۱۰)

چکیده

استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS)، به عنوان یکی از دستاوردهای نوین و کارآمد جهت دستیابی به توسعه و تعادل منطقه‌ای است. این استراتژی به منظور از بین بردن اختلاف ساختاری منطقه‌ای و ایجاد فرصت برابر برای تمامی مناطق طرح گردیده و به مثابه ابزاری برای ایجاد و بقای جامع پایدار شناخته می‌شود. این پژوهش بر آن است تا ضمن معرفی و شناسایی ابعاد و زوایای وجودی یکی از آخرین دستاوردهای توسعه‌مند نمودن مناطق؛ جهت تعمیق در حیطه کارکردی و جایگاه آن؛ به بررسی تجارب مناطقی که طرح RDS را اجرا نموده‌اند، پردازد. مناطق مورد

۱- Regional Development Strategy

۲- مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان با عنوان "تدوین الگوی استراتژی توسعه منطقه‌ای برای شهرستان رشت" می‌باشد.

۳- استاد گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران، yasoori@um.ac.ir

۴- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران، msejodil@yahoo.com

مطالعه شامل ایرلند شمالی، موراویای جنوبی، استونی و کردستان عراق بوده است. بدین منظور طرح‌های تهیه شده در مناطق مذکور در بخش‌های رویکرد اصلی سند، اهداف، مراحل و نتایج مورد مطالعه قرار گرفتند. بنابراین با توجه به زمینه‌های مشترک و همپوشانی‌های مابین طرح‌های فوق می‌توان بیان داشت، تهیه و اجرای موفقیت‌آمیز RDS می‌تواند با تقویت رقابت‌پذیری و جهت دادن به جریان‌ها، موجبات کاهش نابرابری منطقه‌ای، افزایش کارایی فضا و توسعه متوازن منطقه‌ای را فراهم می‌نماید.

به عبارتی از مهم‌ترین نتایج و ثمرات به‌کارگیری راهبرد توسعه منطقه‌ای، اطمینان از توجه به تمام عوامل دخیل در توسعه منطقه مورد نظر و همچنین توجه به مجموعه روابط و ارتباطات درونی و بیرونی که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم توسعه منطقه تحت تأثیر آن‌هاست و بالتبع شناسایی چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و.... می‌باشد.

واژگان کلیدی: استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS)، حیطه کارکردی، نقش و جایگاه، تجارب.

مقدمه

راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) یکی از الگوهایی است که در برخی از کشورهای جهان همانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دیگر مناطق نوظهور اقتصادی جهان از دهه ۱۹۹۰ به این سو رواج یافته است. شناخت این الگوی سیاستی و برنامه‌ریزی می‌تواند گامی کوچک ولیکن مسیری نو برای بحث تجربه و اقدام در برنامه‌ریزی منطقه‌ای تلقی شود (محمدی، ۱۳۹۲، ۱-۲). براین اساس راهبرد توسعه منطقه‌ای به‌عنوان رویکردی نوین، کارآمد و آزموده شده جهت دستیابی به توسعه پایدار منطقه‌ای می‌باشد (داگلاس، ۱۳۸۹، ۶۹). بر اساس این استراتژی، شهرها به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده زیر مناطق، درگیر فرایند راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) خواهند بود؛ بنابراین راهبرد توسعه منطقه‌ای به‌عنوان راه‌حلی اجرایی برای توسعه یکپارچه و هماهنگ منطقه می‌باشد (DRD, 2001, 140).

به‌کارگیری راهبرد توسعه منطقه‌ای، راهی برای بالا بردن توان و ظرفیت مناطق و زیر مناطق جهت بروز و بالفعل نمودن استعدادها و توانمندی‌هایشان است. در واقع RDS به مشارکت همه

جانبه مناطق تأکید دارد، که تحقق این امر افزایش بهره‌وری کلیدی و پایه‌ای رقابت‌پذیری و کاهش تمرکزگرایی را در پی خواهد داشت. این در حالیست که تجربیات مختلف نشان می‌دهند؛ مطالعات خرد و سطحی به علت عدم وجود دیدی جامع و سیستمی و عدم بررسی ارتباطات محیط شهری با محیط‌های پیرامونی که شهر با آن‌ها درگیر می‌باشد، نتایج مثر ثمری را به دنبال نداشته‌اند.

با توجه به مزایا و برتری‌های که استراتژی توسعه منطقه‌ای بر استراتژی‌های پیشین خود دارد؛ در این پژوهش سعی شده است تا ضمن معرفی آن، هدف، نقش و حیطه کارکردی آن؛ جایگاه، چهارچوب فضایی، راهنما و دستورالعمل استراتژیک آن، مراحل اجرا و ویژگی‌های یک سند استراتژی توسعه منطقه‌ای کارآمد مورد بحث قرار گیرد.

پس از بیان و تشریح مفاهیم و کلیات فوق؛ به طور مشخص بخش‌های؛ رویکرد اصلی سند، اهداف، مراحل و نتایج استراتژی توسعه منطقه‌ای به طور مجزا در طرح‌های تهیه شده در مناطق ایرلند شمالی، موراویای جنوبی، استونی و کردستان عراق معرفی شده است. این امر می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌گیری از تجارب کشورها و مناطق پیشرو در این زمینه باشد.

سند استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS)

راهبرد توسعه منطقه‌ای الگویی از برنامه‌ریزی راهبردی است که در چالش برای مواجهه با مسائل جدید و پیچیده منطقه‌ای مطرح شده است. (RDS) از دهه ۱۹۹۰ به این سو در برخی از کشورهای جهان با عنوان ابزار و چارچوب سیاستی توسعه منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است (محمدی، ۱۳۹۲، ۱). راهبرد توسعه منطقه‌ای، یک سند بالادستی کلیدی برنامه‌ریزی است که دستورالعمل‌های راهبردی که در آماده‌سازی و هماهنگی برنامه‌های توسعه، بیانیه‌های سیاست برنامه‌ریزی و اقدامات توسعه شهری و منطقه‌ای به کار می‌روند را تنظیم می‌کند. این رویکرد یک هماهنگی جامع بین تمامی برنامه‌های شهری و منطقه‌ای و الگوهای توسعه در راستای توسعه بلندمدت ایجاد می‌کند. راهبرد توسعه منطقه‌ای به عنوان یک ابزار ضروری برای دولت‌ها به منظور از بین بردن اختلاف ساختاری منطقه‌ای و ایجاد فرصت برابری و مساوات برای تمامی مناطق مطرح است. این راهبرد بر اهمیت برنامه‌ریزی هماهنگ تأکید می‌کند و در نهایت به مثابه ابزاری برای ایجاد جوامع پایدار شناخته می‌شود. علاوه بر این‌ها، این راهبرد یک ابتکار اجرایی

نیز هست که جنبه‌های فضایی برنامه‌های توسعه منطقه‌ای را برای دولت‌ها روشن می‌سازد. همچنین متضمن جنبه‌های اقتصاد منطقه‌ای نیز است که هدفش بازسازی و متعادل کردن اقتصاد است. لذا این راهبرد توسعه پایدار در سطح مناطق را هدف‌گیری نموده است (Amec, 2011) به نقل از پژوهان، ۱۳۹۳: ۲). این رویکرد به عنوان یک سند مدون دارای عملکردی راهبردی برای برنامه‌ریزی می‌باشد، که روی مسائل مهم و کلیدی منطقه تمرکز کرده و در سطح ملی به دنبال کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای است. این راهبرد با تأکید بر دو جنبه مهم برنامه‌ریزی یعنی جنبه فضایی فعالیت و سکونت در منطقه و نیز ماهیت فعالیت‌های اقتصاد منطقه‌ای، نوعاً دارای ماهیت آمایشی است و یکی از اهداف آن یافتن مکان‌های مناسب به منظور سرمایه‌گذاری برای تسهیلات، ایجاد مشاغل و خدمات است. پیش‌بینی منابع لازم برای فعالیت‌های اقتصادی با تأکید بر مکان آن‌ها نتیجه دیگر این رویکرد است (Nawzad, 2011، به نقل از پژوهان، ۱۳۹۳: ۲).

هدف، نقش و حیطة کارکردی استراتژی توسعه منطقه‌ای

جهانی شدن، نو منطقه‌گرایی و رقابت‌های منطقه‌ای، بحران‌های اقتصادی، مخاطرات محیطی، بحران انرژی و مسائل اجتماعی، RDS را به عنوان یک الگوی نو در برنامه‌ریزی منطقه‌ای قرار داده است. محرک‌های گسترش دهنده روند توسعه منطقه‌گرایی به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه نخست، مربوط به حوزه‌های اجتماعی «محرک‌های سطح کلان» و «محرک‌های سطح خرد» است. نظریه‌های همگرایی و کارکردگرایی که مربوط به دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی بوده است نیز به این گروه دلالت دارد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۶۴، به نقل از صرافی، نجاتی، ۱۳۹۳: ۸۶۴).

اهداف اصلی یک راهبرد توسعه منطقه‌ای عبارتند از: تحقق توسعه پایدار، ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، ارتقای کیفیت زندگی اجتماع محلی در مناطق جغرافیایی مشخص. راهبرد توسعه منطقه‌ای به دنبال ایجاد مناطقی پایدار پویا و مترقی از حیث اقتصادی، محیطی، اجتماعی و سیاسی است (DRD, 2008: 1). راهبرد توسعه منطقه‌ای، سیاست‌های کلان را برای نهادهای متولی توسعه منطقه‌ای ارائه می‌نماید. هم‌چنین نقش یک بازوی کمکی برای حکومت‌های

منطقه‌ای جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، استفاده از توان‌های زیر مناطق^۱ و یکپارچه‌سازی اقدامات منطقه‌ای را ایفا می‌نماید. قلمرو یک برنامه راهبردی توسعه شهری (منطقه) به معنای جغرافیایی آن است؛ اغلب طرح‌های راهبرد توسعه منطقه‌ای به دنبال ارتقای رقابت‌پذیری پویایی فضایی و ارتقای کیفیت زندگی در مقیاس منطقه‌ای اند (محمدی، ۱۳۹۲، ۳).

در واقع راهبرد توسعه منطقه‌ای زمینه را برای برنامه‌ریزی‌های زیر فراهم می‌کند: تقویت رقابت اقتصادی منطقه‌ای و تلاش برای از بین بردن وضع نامساعد اجتماعی و اقتصادی؛ محافظت و ارتقای سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی و مصنوعی منطقه؛ ارتقای مسکن، حمل و نقل، کیفیت آب، انرژی و راهبردهای دفع پسماندها، تهیه زیرساخت‌ها، فراهم آوردن خدمات عمومی و راهنمایی‌های عمومی و تصمیمات سرمایه‌گذاری خصوصی مربوط به کاربری زمین؛ (Department for regional, 2010). به نقل از پژوهان، ۱۳۹۳: ۲). این راهبرد را می‌توان رویکردی فراگیر با هدف تهیه یک چارچوب بهینه توسعه منطقه‌ای قلمداد نمود که هماهنگی بین بخشی ما بین بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی یکی از کارکردهای اصلی آن است، با این ویژگی که ضمن هماهنگی به دستور کارهای مشخصی در رابطه با هر بخش با تأکید بر جنبه‌های فضایی و مکانی می‌رسد (پژوهان، ۱۳۹۳: ۳)، یک راهبرد توسعه منطقه‌ای منسجم و اثربخش دارای یک چشم‌انداز فراگیر است؛ چشم‌انداز می‌تواند منظر بیرونی از منطقه‌ای پویا و سرزنده با یک حس مکان قوی در جهانی گسترده‌تر باشد. یک منطقه سرشار از فرصت‌ها که مردم از زندگی کردن و کار کردن در آن لذت می‌برند در یک محیط سالم جایی که کیفیت زندگی آن‌ها افزایش می‌یابد و تنوع و گوناگونی، یک نقطه قوت به حساب می‌آید نه یک اختلاف. چشم‌انداز فوق توسط ارزش‌های زیر پشتیبانی می‌شود:

- حمایت قوی از رشد پایدار به منظور بهره‌مند شدن از همه قسمت‌های منطقه؛
- پشتیبانی شهرها، روستاها و جوامع روستایی برای شکوفا ساختن پتانسیل آن‌ها؛
- افزایش توسعه که سلامت، امنیت و شادی جوامع را بهبود می‌بخشد؛
- گسترش ارتباطات به منظور بالا بردن جریان نقل و انتقالات مردم، کالاها، انرژی و اطلاعات میان مکان‌ها؛

- محافظت کردن و بهبود بخشیدن محیط زیست صرفاً به دلیل ارزشمند بودن ذاتی آن؛
 - اقدام برای کاهش کربن و کمک به سازگاری با تغییرات آب و هوایی منطقه.
- در سطح منطقه‌ای، بخش عمومی (به نمایندگی دولت)، بخش خصوصی و توسعه‌دهندگان فردی بازیگران اصلی برنامه‌ریزی و توسعه به شمار می‌روند که اقدامات متعدد و متنوعی در راستای اهداف بخشی خود انجام می‌دهد که لزوماً ممکن است با همدیگر هماهنگ نیز نباشند. یکی از کارکردهای مهم راهبرد توسعه منطقه‌ای هماهنگی این سیاست‌ها و اقدامات در سطح منطقه است. اما لازم است برخی مفاهیم کلیدی در رابطه با مفاهیم هم‌پیوند با این رویکرد تبیین شوند؛ سیاست منطقه‌ای راهی است برای مداخله دولت محلی در توزیع منابع و فعالیت‌های متنوع بین مناطق مختلف که معمولاً روی توزیع فعالیت‌های اقتصادی تمرکز می‌کند. از نگاهی عملی، سیاست منطقه‌ای طیف وسیعی از فعالیت‌هایی است که در برگیرنده بازتوزیع فعالیت‌های اقتصادی برای توسعه یا بازسازی اقتصادی مناطق می‌شوند. برنامه‌ریزی منطقه‌ای کاملاً با سیاست منطقه‌ای متفاوت است و فرایندی است که ضمن شناسایی ظرفیت‌ها و تنگناهای مناطق، نوعی تصمیم‌سازی در سطح منطقه‌ای است. سیاست منطقه‌ای به عنوان عاملی برای تمرکز روی مسائل بین منطقه‌ای دیده شده است، درحالی که برنامه‌ریزی منطقه‌ای روی یک بازه وسیعی از مسائل در داخل یک منطقه تمرکز می‌کند. سازوکار برنامه‌ریزی منطقه‌ای معمولاً شامل تهیه و اجرای یک راهبرد توسعه منطقه‌ای می‌شود و با توجه به متفاوت بودن یک شرایط از مقتضیات دیگر نهادها در مقام اداره کردن آن‌ها قرار می‌گیرند (پژوهان، ۱۳۹۳: ۳).

جایگاه

با توجه به توضیحاتی که در باب استراتژی توسعه منطقه‌ای ارائه شد، می‌توان جایگاه استراتژی توسعه منطقه‌ای که تفاوت آن را با سایر طرح‌های توسعه منطقه‌ای نیز مشخص می‌کند، بدین شرح بیان نمود:

ماهیت و بنیان RDS بر تمرکززدایی تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماع محلی و شراکت ذینفعان منطقه‌ای استوار است، در RDS چشم‌انداز، اهداف، ارزش‌ها و مأموریت سازمانی بخش‌ها و نهادها مشخص است، نه تنها مباحث فضایی را در کانون توجه خود دارد، بلکه به محتوای منطقه‌ای و بخش‌ها نیز توجه دارد، RDS بیش از آن که یک طرح با جزئیات قطعی باشد، راهنمای سیاست‌گذاری منطقه‌ای است و جزئیات را به بخش‌ها و نهادهای دخیل در حوزه

برنامه‌ریزی می‌سپارد، پستوانه قانونی، ساختار اجرایی و نیز هماهنگی بین بخشی و نهادی در RDS مورد توجه است. لیکن بر اصل شراکت و منافع کنشگران است، تلاش می‌کند تا بین برنامه‌های فضایی و بخشی در قلمرو فضایی هماهنگی لازم را به عمل آورد، فرایندمحور است و تغییرات بر مبنای تصمیم ذی نفعان انجام می‌شود، کلیه اقدامات به سمت اجتماع پایدار است و کیفیت زندگی را مد نظر دارد (محمدی، ۱۳۹۲، ۶).

چهارچوب فضایی در استراتژی توسعه منطقه‌ای

مدیریت شهری مجموعه‌ای از ابزارها، فعالیت‌ها، وظایف، و کارکردهایی است که اطمینان می‌دهد تا کارکردهای شهری بتوانند شکل بگیرند. مدیریت شهری اطمینان می‌دهد که خدمات اساسی شهر برای گروه‌ها، افراد مختلف، اجتماعات محلی و عمومی به شیوه مناسب شکل گیرد (Acioły, 2003: 1-2). در سوی دیگر مفهوم مدیریت یکپارچه شهری مطرح است که به دنبال ناکارآمدی مدیریت شهری سنتی در حل مشکلات شهری و فزونی چالش‌های شهری همچون فقر، ناهنجاری اجتماعی، ناامنی، ترافیک، بیکاری، حاشیه‌نشینی، شکاف طبقاتی و غیره به پسوند واژه مدیریت شهری جهت اهمیت دادن به ضرورت یکپارچگی اضافه شده است. این فرایند علی‌رغم گسترش دایره ارتباطات و تأثیرات در زندگی شخصی افراد در رشد و بلوغ سازمان‌ها و ارگان‌ها و مکان‌های زیست تأثیرگذار بوده، همچنین گرایش به کوچکی و فشرده شدن که از شگفتی‌های دوران کنونی است، به همین جهت در بعد کلان مسأله باید گفت که امروزه سازمان‌ها و سکونتگاه‌ها در محیطی پر تلاطم به سر می‌برند که در گذشته کمتر چنین بوده است. بنابراین امروزه چاره‌ای جز بازنگری در ساختار و کارکردهای سازمان‌ها و نهادها و سکونتگاه‌ها برای انطباق بیشتر با شرایط پیرامونی وجود ندارد (رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۹: ۲۳۳) و از آن جایی که توسعه موضوعی چند بعدی است، لازم است تا با مدیریتی منسجم و به دور از یکپارچگی هدایت شود. یکی از ایرادات اساسی مدیریت شهری سنتی، نظریه انتقادی پر مسئولیت بودن دولت و مدیریت شهری صرفاً دولتی است که بر این اعتقاد بود دولت‌ها به تدریج وظایف بیشتری را در زمینه اداره جامعه از جمله مدیریت عمومی بر عهده گرفته‌اند که بسیار فراتر از توانایی مالی و اداری آن‌ها است. بنابراین لزوم واگذاری امور و اختیارات و توزیع آن به نهادهای سطوح پایین‌تر در قالب نهادهای محلی ضروری است؛ چرا که ادامه روند حاضر به دلیل

تسلط سرمایه‌داری خصوصی، وظایف دولت‌ها را با انواع تعارض مواجه کرده و در نتیجه منجر به بروز بحران عقلانیت، بحران اقتصادی، بحران اجتماعی و نهایتاً بحران مشروعیت را سبب‌ساز خواهد شد (Yann, 2009:3). یکی از دلایل مهم چنین وضعیتی عدم توجه به نظام برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای است؛ با وجود آن که تلاش‌های پراکنده‌ای مانند تهیه برنامه‌های آمایش سرزمین یا طرح‌های منطقه‌ای برای هدایت مناطق بر اساس توانمندی‌های آن‌ها صورت می‌گیرد، اما به دلیل اینکه این تلاش‌ها منسجم نبوده و فاقد یک رویکرد مشخص برای انجام فعالیت‌های مرتبط با توسعه منطقه‌ای است؛ اغلب با شکست مواجه می‌شوند. در حالی که در دنیای پیشرفته چند دهه‌ایست که به اهمیت مناطق در توسعه ملی و تأمین عدالت و رفاه اجتماعی و اقتصادی پی برده و سعی در تدوین مبانی نظری و پایه برای توسعه متعادل و متوازن منطقه‌ای داشته‌اند (پژوهان، ۱۳۹۳: ۲).

بنابراین جریان‌های موجود بین مراکز زیستی اعم از شهری و روستایی در سطح مناطق باید به‌سوی ایجاد سیکل مطلوب پیوندهای منطقه‌ای هدایت شوند. برای تحقق این امر، تنها توجه به جریان‌ها کافی نیست، بلکه روابط اقتصادی، اجتماعی، روستایی، تولید، ظرفیت‌های نهادی و جنبه‌های زیست‌محیطی دارای اهمیت هستند. حال از آنجایی که شهرستان رشت از ابتدای شکل‌گیری تا کنون تمرکزگرایی وسیعی را تجربه نموده است که این امر عدم رقابت‌پذیری، انزوا و عدم تحرک را برای شهرهای پیرامون به دنبال داشته است و شهرستان را از تجربه اهداف بنیادین توسعه منطقه‌ای چون تعادل فضایی، رشد متوازن در منطقه، کاهش فقر و نابرابری، حذف شکاف‌های بین مناطق و تأمین عدالت اجتماعی و منطقه‌ای، بالا بردن ظرفیت مشارکت مناطق و ... محروم کرده است (سجودی، ۱۳۹۵: ۵).

در ایران نیز به رقم‌پیشی گرفتن نظریه‌های برنامه‌ریزی بر اقدامات منطقه‌ای طرح‌های سنتی منطقه‌ای و مدافعان آن‌ها با ناکامی مواجه شده‌اند. در نتیجه شاهد مواردی به شرح زیر در مناطق جغرافیایی کشور هستیم: ۱- تشدید فاصله و عقب‌ماندگی کارکردی حوزه‌های روستایی از مناطق شهری ۲- افزایش استفاده نامحدود از منابع طبیعی ۳- رشد پراکنده و تخریب محیط زیست ۴- تشدید تمرکز شهری ۵- تداوم عدم تعادل‌های اقتصادی منطقه‌ای ۶- تغییرات اقلیمی و عدم تغییر در سیاست‌های مرسوم توسعه منطقه‌ای که جملگی مناطق جغرافیایی کشور را به سراشیب ناپایداری توسعه سوق داده‌اند. بخشی از این ناپایداری در تغییرات و ساختار سیاسی،

اقتصادی، اجتماعی و محیطی ریشه دارد. لکن بخش مهم آن با ناکارآمدی طرح‌های توسعه، بی‌ثباتی و بلا تکلیفی برنامه‌ریزی و مدیریت منطقه‌ای مرتبط است. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی با توجه به هم‌ریختگی نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محدود شدن آن به تهیه طرح‌های کالبدی و فاقد سازو کارهای مشارکتی و اصلاح الگوهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (محمدی، ۱۳۹۲، ۲-۳).

راه‌نما و دستورالعمل استراتژیک

چشم‌انداز می‌تواند منظر بیرونی از منطقه‌ای پویا و سرزنده با یک حس مکان RDS یک قوم در جهانی گسترده‌تر باشد. یک منطقه سرشار از فرصت‌ها که مردم از زندگی کردن و کار کردن در آن لذت می‌برند، در یک محیط سالم جایی که کیفیت زندگی آنها افزایش می‌یابد و تنوع و گوناگونی، یک نقطه قوت به حساب می‌آید نه یک اختلاف. چشم‌انداز فوق توسط هشت ارزش پشتیبانی می‌شود:

حمایت قوی از رشد پایدار به منظور بهره‌مند شدن از همه قسمت‌های منطقه؛

پشتیبانی شهرها، روستاها و جوامع روستایی برای شکوفا ساختن پتانسیل آن‌ها؛

افزایش توسعه که سلامت، امنیت و شادی جوامع را بهبود می‌بخشد؛

گسترش ارتباطات به منظور بالا بردن جریان نقل و انتقالات مردم، کالاها، انرژی و اطلاعات میان مکان‌ها؛

محافظت کردن و بهبود بخشیدن محیط زیست صرفاً به دلیل ارزشمند بودن ذاتی آن؛

اقدام برای کاهش کربن و کمک به سازگاری با تغییرات آب و هوایی منطقه (پژوهان، ۱۳۹۳، ۳). تجاربی که تا کنون در کشورها یا مناطق پیشرو در تهیه طرح‌های RDS وجود دارد (همانند فنلاند، ایرلند، آریزونا) نشان می‌دهد که اصولاً دولت‌های مرکزی و یا منطقه‌ای در تهیه، هدایت و نظارت بر این طرح‌ها پیشگام بوده و یا از آن استقبال و حمایت نموده‌اند. با این وجود؛ در تهیه و اجرای طرح‌های RDS تمامی نهادها و مؤسسات عمومی و خصوصی منطقه‌ای دخیل هستند. از جمله نهادهای توسعه منطقه‌ای، نهادهای سرمایه‌گذاری، نهادهای خدمت‌رسانی، شوراهای منطقه‌ای و محلی، اصناف تجاری و بازرگانی، کمیته‌های برنامه‌ریزی، کمیته‌های مشورتی و رایزنی شهروندی و سایر کنشگران توسعه منطقه‌ای. به عبارتی تهیه طرح‌های RDS بخشی از

برنامه‌ریزی توسعه ملی است که در تهیه آن؛ نقش نهادهای منطقه‌ای غالب و چشمگیر است. به طور خلاصه مهم‌ترین نهادها و مسئولان درگیر در تهیه، تصویب و اجرا و نظارت بر اجرای برنامه در یک نمونه مطالعاتی (شبه جزیره ایستریا) شامل موارد ذیل هستند:

- ۱- مقامات عالی حکومتی و اداری منطقه؛
- ۲- نهاد دولتی مسئول تهیه و هماهنگی برنامه‌ریزی منطقه‌ای؛
- ۳- نهاد بخش خصوصی تهیه‌کننده طرح RDS که از تخصص لازم بهره‌مند و شناخت کامل از منطقه دارد؛
- ۴- نهادهای بخش اقتصادی و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای؛
- ۵- نهادهای دخیل در توسعه فضایی منطقه‌ای؛
- ۶- نمایندگان بنیادها و نهادهای بخش خصوصی؛
- ۷- نمایندگان مردمی و شوراهای منطقه‌ای و محلی؛
- ۸- نمایندگان نهادهای مردمی؛
- ۹- نهادهای اطلاعات آماری و حساب‌های منطقه‌ای؛
- ۱۰- نهادهای دانشگاهی و مشاوره برنامه‌ریزی، پژوهشی و سایر نهادهایی که به طور مستمر و مؤثر در توسعه منطقه‌ای دخالت دارند (IDI، ۲۰۱۳، به نقل از محمدی، ۱۳۹۲، ۳).

اجرای استراتژی

RDS گونه‌ای از برنامه‌ریزی راهبردی در سطح منطقه‌ای است. از این رو فرایند تهیه یک طرح RDS همانند برنامه‌های راهبردی فضایی است. می‌توان گام‌های اصلی تهیه راهبرد توسعه منطقه‌ای را در موارد ذیل خلاصه نمود: اجماع و توافق بر تهیه طرح، تعیین اهداف، تحلیل وضعیت، ساخت چشم‌انداز و اصول راهنما، تهیه طرح و راهنمای اجرا، اجرای طرح‌ها و پایش و بازنگری طرح (DRD، ۲۰۰۱، به نقل از محمدی، ۱۳۹۲، ۳).

البته مراحل ذکر شده الگوی قطعی و الزامی نیستند و متناسب با سیستم‌های برنامه‌ریزی مناطق و کشورها، مراحل متفاوتی می‌تواند وجود داشته باشد (محمدی، ۱۳۹۲، ۴) و متناسب با ویژگی‌های منطقه‌ای محتوای اسناد RDS می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. به طور کلی محتوای سند و گزارش راهبرد توسعه منطقه‌ای موضوعات ذیل را شامل می‌شود:

- ۱- بررسی و تحلیل چالش‌ها و اولویت‌های مهم منطقه‌ای؛
- ۲- چشم‌انداز و اهداف توسعه منطقه‌ای؛
- ۳- فعالیت‌های اجرایی توسعه منطقه‌ای؛
- ۴- کنشگران، نقش‌های مشخص و نقشه راه حرکت؛
- ۵- اولویت‌بندی برنامه‌ها و طرح‌های اجرایی؛
- ۶- برنامه زمان‌بندی اجرای طرح‌های مصوب؛
- ۷- برنامه مالی و سنجش هزینه‌ها و منافع اجرای طرح‌ها؛
- ۸- روش‌های پایش اجرای طرح‌ها در بخش‌ها؛
- ۹- برنامه‌های اجرایی (مدیریتی) طرح‌ها و گزارش‌دهی‌ها (IDA، ۲۰۱۳)، به نقل از محمدی، ۱۳۹۲: ۵-۶؛

۱۰- پیوست‌ها: شمال راهنما، تصمیمات، نتایج جلسات، اصلاحیه‌ها و اسناد راهنما (محمدی، ۱۳۹۲: ۶).

به طور کلی یک برنامه RDS بیش از آن که یک سند برنامه‌ریزی تلقی شود؛ چارچوبی سیاستی و مدیریتی برای تحقق توسعه پایدار منطقه‌ای است. این سند بر مبنای چالش‌های اساسی موجود و آتی منطقه‌ای، تحلیل منابع و ظرفیت‌ها، نیازهای اجتماع منطقه‌ای و مهم‌تر از همه پایداری توسعه منطقه‌ای با رویکرد راهبردی تهیه می‌شود. اعتقاد این برنامه این است که باید ضمن پاسخگویی به نیازهای موجود، آینده پایدار را با مشارکت و همکاری شکل داد (محمدی، ۱۳۹۲: ۶).

ویژگی‌های یک سند استراتژی توسعه منطقه‌ای کارآمد

محتوای RDS کاملاً منعطف و وابسته به وضعیت و شرایط منطقه‌ای و نیز ساختار برنامه‌ریزی کشورهاست. لیکن به طور کلی یک برنامه RDS به بررسی موارد زیر می‌پردازد:

- ۱- ساختار نهادی، اقتصادی، محیطی و اجتماعی منطقه؛ ۲- ضعف‌ها، قوت‌ها، توان‌ها، تهدیدهای توسعه منطقه، ۳- مشارکت ذینفعان و شرکای توسعه؛ ۴- مشارکت اجتماع محلی، ۵- توجه به تهیه، اجرا و پایش طرح‌های اجرایی بر مبنای توان و اولویت‌های زیرمناطق (Harris & Adams 6 به نقل از محمدی، ۱۳۹۲: ۴). RDS تأکید بیشتری بر ارتقای

وضعیت اقتصادی مناطق از طریق ایجاد تعادل در فرصت‌های توسعه و سرمایه‌گذاری دارد. یک برنامه RDS باید بتواند چارچوب سیاستی توسعه منطقه‌ای پایدار برای یک منطقه را تعریف نماید. به عبارت روشن‌تر الگویی از برنامه‌ریزی راهبردی است که بر انعطاف‌پذیری، مشارکت و توسعه پایدار منطقه‌ای می‌پردازد (محمدی، ۱۳۹۲: ۴).

همچنین RDS زمینه برنامه‌ریزی فضایی برای تحقق موارد زیر را فراهم می‌سازد:

۱- تقویت رقابت‌پذیری و کاهش عوامل منجر به عدم مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای؛

۲- نگاهداشت و ارتقای سرمایه‌های طبیعی و انسانی منطقه‌ای؛

۳- تقویت زیربناها و روتین‌های توسعه منطقه‌ای؛

۴- استفاده کارآمد و پایدار از فضاهای جغرافیایی در جهت توسعه منطقه‌ای (DRD, 2008: 2 به نقل از محمدی، ۱۳۹۲: ۵).

به طور خلاصه RDS طرحی است که طی آن سند راهبرد توسعه فضایی و راهنمای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شامل اهداف بلندمدت توسعه در بخش‌های عمومی و خصوصی و اجتماع محلی ارائه می‌شوند. لیکن سند مصوب الزاماً به مفهوم اختصاص سرمایه‌گذاری عمومی برای هر یک از پروژه‌های خاص منطقه‌ای نمی‌باشد، بلکه برای اجرای پروژه‌ها ارزیابی محیط زیستی، اقتصادی، اجرایی، مالی و اجتماعی، انجام و بر مبنای اولویت‌های منابع در این خصوص تصمیم‌گیری می‌شود. یک طرح RDS سه سند اصلی و عمومی را شامل می‌شود (چشم‌انداز و اصول راهنما، راهبرد توسعه فضایی، راهنمای برنامه‌ریزی راهبردی) (محمدی، ۱۳۹۲: ۵).

با توجه به آن چه در باب ماهیت و ابعاد استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) بیان شد؛ در ادامه اسناد استراتژی توسعه منطقه‌ای ایرلند شمالی، موراویای جنوبی، استونی و کردستان عراق در بخش‌های رویکرد اصلی سند، اهداف، مراحل و نتایج حاصله مورد مطالعه قرار گرفته است.

سند استراتژی توسعه منطقه‌ای ایرلند شمالی ۲۰۳۵

رویکرد اصلی در سند

بر اساس این سند، استراتژی یک برنامه بلندمدت است که برای افزایش رفاه منطقه نقش مهمی در بلفاست بازی می‌کند. لذا برای اطمینان از این که همه جا از رشد اقتصادی بهره‌مند شوند؛

بهره‌گیری از این استراتژی، نشان‌دهنده برنامه دولت از رشد متعادل زیر مناطق و اهمیت شهرهای کوچک، به عنوان کلیدی برای مراکز رشد و سرمایه‌گذاری را به رسمیت معرفی می‌کند (DRD، 2013، 3). در این سند RDS یک چارچوب برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور تسهیل گر راهنمای بخش‌های دولتی و خصوصی است؛ به تعبیری دیگر استراتژی توسعه منطقه‌ای یک تعریف مجدد از استراتژی‌های دیگر دپارتمان‌ها نیست بلکه با یک چشم‌انداز فضایی (مخصوص به خود) تعریف گردیده است (DRD، 2013، 7).

همچنین مهم‌ترین مباحث راهبردی پرداخته شده در RDS ایرلند شمالی شامل: توسعه اقتصادی منطقه و زیر مناطق؛ نظم‌بخشی و هدایت متعادل سکونت‌گاهی، تعیین قطب‌های محلی و منطقه‌ای و خوشه‌های توسعه، برقراری تعادل‌های منطقه‌ای، مدیریت اشتغال، مسکن و زمین در مناطق، حمایت از رنسانس شهری-روستایی، مدیریت پسماند منطقه‌ای، تقویت رقابت‌پذیری منطقه‌ای و ... می‌باشد (DRD، 2013، 1-18). در این طرح جایگاه منطقه در قلمرو فرمانطقه‌ای و اروپایی دیده شده است. همچنین اقتصاد، جامعه و محیط زیست که ارکان توسعه پایدار به حساب می‌آیند در کانون توجه این طرح بوده‌اند (DRD، ۲۰۱۳، ۱۶-۱). نهایتاً چشم‌اندازی که در این طرح برای ایرلند شمالی ترسیم شده عبارت است از: «منطقه‌ای پویا، قابل زیست و سالم با تعلق مکانی بالا در یک بستر جهانی، که در آن فرصت‌های توسعه برای تمامی کنشگران فراهم است و مردم از کار و زندگی و برخورداری از کیفیت زندگی بالا لذت می‌برند و جایی است که گوناگونی اجتماعی و تنوع (اقتصادی و اجتماعی) در آن بیش از آن که عامل جدایی باشد عامل پایداری است» (DRD، ۲۰۱۳، ۱۸).

اهداف سند

هدف تهیه این سند ارائه یک چهارچوب برنامه‌ریزی راهبردی برای تسهیل و راهنمایی بخش‌های عمومی و خصوصی، توسعه منطقه‌ای و ایجاد منطقه‌ای پویا، موفق و متریقی عنوان شده است. این طرح الزاماً سیاست‌های منطقه‌ای دیگر وزارتخانه‌ها را تعیین نمی‌کند، لیکن تا حد امکان به دنبال ایجاد یکپارچگی و هماهنگی در اقدامات فضایی توسعه منطقه‌ای است. همچنین طرح این سند تحمیلی و یا سندی همانند طرح‌های جامع منطقه‌ای نمی‌باشد. بلکه بیشتر در قالب یک چارچوب سیاستی راهبردی است که زمینه را برای توسعه پایدار فراهم می‌نماید.

همان گونه که بیان شد، RDS استراتژی‌های دیگر گروه‌ها را تعریف نمی‌کند اما مکمل آن‌هاست و با چشم‌انداز فضایی خود آن‌ها را تکمیل می‌نماید مانند تأثیری که بر موارد زیر می‌گذارد:

برنامه برای دولت (PFG)؛ استراتژی‌های سرمایه‌گذاری برای ایرلند شمالی؛ سرمایه‌گذاری گروه‌ها، تصمیم‌گیری شوراها، سرمایه‌گذاری و همچنین سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی. همچنین عوامل فوق به نیروهای محرک کلیدی مانند رشد جمعیت و جنبش، تغییرات جمعیتی، افزایش تعداد خانواده‌ها، نیازهای حمل و نقل، تغییرات اقتصادی، تغییرات اقلیمی و پیامدهای فضایی از بخش‌های که هنوز هم در جامعه مذکور وجود دارد، ربط پیدا می‌کند.

در سند RDS ایرلند شمالی برای اطلاع و راهنمایی تمام جامعه در بخش‌هایی برای ایجاد یک ایرلند شمالی پویا، مرفه و مترقی در هزاره سوم بررسی‌هایی صورت گرفته است؛ در این راستا توسعه آینده RDS تحت تأثیر منطقه از جمله منطقه دریایی است. بنابراین توسعه آینده به استفاده از زمین محدود نمی‌شود اما اهمیت زمین در این سند لحاظ شده است. بنابراین در RDS مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با هدف دستیابی به توسعه پایدار و انسجام اجتماعی صورت می‌پذیرد (DRD، 2013، 12)، که اهم اهداف در این سند (تجدید نظر شده) عبارتند از:

- پشتیبانی قوی و رشد پایدار به نفع تمام نقاط ایرلند شمالی؛ اقتصاد رو به رشد منطقه‌ای که از مناطق قوی شهری و روستایی بهره‌مند می‌شود. که تحقق این امر نیاز به یک رویکرد هماهنگ برای ارائه خدمات، مشاغل و زیرساخت و تمرکز بر همکاری بین ارائه‌دهندگان خدمات دارد. همچنین رشد منطقه متوازن و مقابله با عدم تعادل منطقه از مسائل مهم برای منطقه در این سند است.
- تقویت بلفاست به عنوان یک منطقه پیشرو اقتصادی؛
- پشتیبانی از شهرها، روستاها و جوامع روستایی برای به حداکثر رساندن توانایی‌های بالقوه خود؛ چرا که شهرها و روستاها نقش کلیدی در حمایت از رشد اقتصادی دارند. آن‌ها فرصت استفاده از نظر پتانسیل برای رشد در بخش‌های جدید، ارائه تفریح روستایی و گردشگری، ارائه جذابیت‌هایی به عنوان مکانی برای سرمایه‌گذاری، زندگی و کار و ... را به عنوان یک مخزن از منابع طبیعی و بسیار با ارزش دارند.

- ارتقاء توسعه که باعث بهبود سلامت و رفاه جوامع می‌گردد؛ چرا که یک جامعه سالم قادر به استفاده بهتر از فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی است. همچنین بهبود سلامت و رفاه نه تنها از طریق دسترسی آسان به خدمات و امکانات مناسب به دست آمده، بلکه از طریق ایجاد یک مجموعه اقتصادی قوی در یک محیط امن و جذاب. همچنین در این بند بیان شده است که تأمین مسکن اجتماعی و مقرون به صرفه نیز به ایجاد جوامع متعادل قوی کمک می‌کند.
- بهبود قابلیت اتصال و دسترسی به منظور افزایش جنبش مردم، کالاها، انرژی و اطلاعات بین مکان‌ها که به بهبود شبکه‌ای از شهرهای مرتبط خواهد انجامید. در این زمینه شهرهای همسایه در حمایت از یکدیگر و کرانه‌های خود در ارائه خدمات، ارتباط خوبی بین شهرها و مناطق روستایی برای دسترسی به خدمات و فرصت‌های کسب و کار حیاتی پیدا می‌کنند.
- حفاظت از محیط زیست به خاطر خود آن و برای افزایش کیفیت زندگی فعلی و نسل‌های آینده ضروری است. محیط زیست ایرلند شمالی یکی از بزرگترین دارایی‌های آن است، با مناظری خیره‌کننده، خط ساحلی برجسته، انواع پیچیده‌ای از حیات وحش و میراث ساخته شده و فرهنگی غنی که مستلزم خدمات اکوسیستمی است؛ چرا که حس مکان و تاریخ را برای همه فراهم می‌کند.
- نگاهی به اقدامات برای کاهش ردپای کربن جهت انطباق با تغییرات آب و هوا، چرا که تغییرات آب و هوایی یکی از جدی‌ترین مشکلاتی است که جهان ما با آن مواجه است. بدین منظور باید به فکر گرم شدن کره زمین، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای برای کمک به کاهش خطر تغییر آب و هوا و ترویج ساخت و ساز پایدار بود و نسبت به مصرف و تولید با هدف جلوگیری از اتلاف و مقابله با آن در خط دستورالعمل چارچوب زباله تجدید نظر شود.
- تقویت ارتباط بین شمال و جنوب، شرق و غرب، با اروپا و بقیه جهان که در حال حاضر همکاری وجود دارد و بر اساس شمال / جنوب، ترویج توسعه از طریق دروازه و اتصالات مرزی. چرا که برای پیشبرد توسعه باید بهبود ارتباط بین شرق / ارتباط غرب وجود داشته باشد. این امر امکان رقابت و تجارت با اروپا و سایر نقاط را به منظور دستیابی به دسترسی‌ها،

ارتباطات، آموزش و پرورش و اشتغال در بهبود بخشیدن به نیازهای جمعیت فراهم خواهد آورد.

- همچنین هدف از این استراتژی حمایت مدیران جهت دستیابی به رشد متعادل زیر مناطق بیان شده است (۲۰-۲۲، ۲۰۱۳، DRD).

مراحل

برخی از مهم‌ترین راهنمایی‌های استراتژیک سند استراتژی توسعه منطقه‌ای ایرلند شمالی را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱- اقتصادی: اطمینان حاصل نمودن از کافی بودن زمین به منظور تسهیل رشد اقتصادی پایدار و ارائه یک رویکرد متعادل برای زیرساخت حمل و نقل و همچنین پیاده‌سازی یک رویکرد متعادل برای زیرساخت‌های مخابراتی به عنوان یک مزیت رقابتی و ترویج یک روش پایدار جهت معرفی و ارائه زیرساخت‌های گردشگری به عنوان یک منبع انرژی پایدار و امن.

۲- جامعه: تقویت انسجام جامعه، پشتیبانی از رنسانس شهری و روستایی و مدیریت رشد مسکن برای رسیدن به الگوهای پایدار توسعه مسکونی

۳- محیط زیست: کاهش رد پای کربن و تسهیل کاهش و انطباق با تغییرات آب و هوایی، بهبود کیفیت هوا، مدیریت زباله پایدار، حفظ، محافظت و در صورت امکان افزایش میراث ساخته شده و محیط طبیعی، تبلیغ یک رویکرد پایدارتر برای ارائه آب و خدمات فاضلاب و مدیریت بحران سیلاب.

۴- منطقه شهری: تبلیغ توسعه اقتصادی شهری در نقاط کلیدی و اطمینان از وجود زمین کافی برای مشاغل موجود، رشد جمعیت شهر بلفاست، تقویت نقش بلفاست مرکز شهر به عنوان پایتخت منطقه‌ای و تمرکز دولت، تجارت، خدمات تخصصی و امکانات فرهنگی، جنبش مردم و مدیریت کالاها، حفظ و افزایش کیفیت دارایی‌های زیست محیطی.

۵- هاب و خوشه هاب شامل؛ - شناسایی و تحکیم نقش و وظایف شهرک در خوشه - ترویج فرصت‌های توسعه اقتصادی در مرکز و رشد جمعیت در مرکز

۶- منطقه روستایی

- حفظ جوامع روستایی در شهرک‌های کوچک و احیای دوباره زندگی در حومه شهر

- دسترسی برای بهبود جوامع روستایی (7 و 8، 2013، DRD).

نتایج به دست آمده

ایرلند شمالی در سال ۲۰۱۳ جز مناطق تهیه کننده RDS بوده است. در واقع برنامه‌ریزی راهبردی از سال ۱۹۹۹ در اولویت ایرلند شمالی قرار گرفت. راهبرد توسعه منطقه‌ای در ایرلند شمالی با شعار ساخت چشم‌انداز آتی ما، با افق زمانی ۲۰۲۵ در سال ۲۰۰۱ تهیه شد. این سند در سال ۲۰۰۸ و سپس ۲۰۱۱ بازنگری و با عنوان راهبرد توسعه منطقه‌ای ۲۰۳۵ با شعار ساخت آینده بهتر نهایی گردید. چشم‌اندازی که در این طرح برای ایرلند شمالی ترسیم گردیده عبارت است از: منطقه‌ای پویا، قابل زیست و سالم، با تعلق مکانی بالا در یک بستر جهانی که در آن فرصت‌های توسعه برای تمامی کنشگران فراهم است و مردم از کار و زندگی و برخورداری از کیفیت زندگی بالا لذت می‌برند و جایی است که گوناگونی اجتماعی و تنوع (اقتصادی و اجتماعی) در آن بیش از آن که عامل جدایی باشد عامل پایداری است. بنابراین مهم‌ترین مباحث راهبردی پرداخته شده در RDS ایرلند شمالی شامل موارد زیر بوده‌اند: توسعه اقتصادی مناطق و زیرمناطق، ۲- نظم بخشی و هدایت توسعه متعادل سکونتگاهی، ۳- تعیین قطب‌های محلی و منطقه‌ای و خوشه‌های توسعه ۴- برقراری تعادل‌های منطقه‌ای، ۵- حمایت از سیاست‌های دولت در زیر مناطق، ۶- مدیریت اشتغال، مسکن و زمین در مناطق، ۷- بهبود زیربنای توسعه جهانگردی در منطقه، ۸- تقویت همبستگی اجتماعی و فرهنگی، ۹- حمایت از رنسانس شهری، روستایی، ۱۰- تلاش فزاینده برای کاهش جای پای بوم شناختی، انطباق و کاهش عوامل منجر به گرمایش زمین، ۱۱- مدیریت پسماند منطقه‌ای ۱۲- حفاظت از میراث و ارزش‌های فرهنگی و محیط زیستی زیر مناطق، ۱۳- مدیریت منابع آب و مدیریت بحران در منطقه، ۱۴- ارتقای اقتصاد شهرها با تأکید بر منطقه کلان شهری بلفاست، ۱۵- تقویت رقابت‌پذیری منطقه‌ای (۴-۶، DRD، ۲۰۱۳).

سند استراتژی توسعه منطقه‌ای استونی ۲۰۰۵-۲۰۱۵

رویکرد اصلی در سند

رویکرد این مطالعه بسیار عملگرا است. روش انجام این مطالعه به عنوان کیفی، توصیفی تعریف

می‌شود. سازمان‌های دخیل توسعه که در این پژوهش نقش داشته‌اند، در دو مرحله بوده است. نخست فراهم و بررسی کردن اطلاعات و فعالیت‌ها در سازمان. ثانیاً با بسیاری از نقش‌آفرینان توسعه بر روی اقدامات توسعه و جو توسعه در این زمینه مصاحبه صورت گرفت. بدین منظور قالب مورد استفاده برای توصیف و ارزیابی اقدامات توسعه یک ابزار به نام چارچوب منطقی است. این چارچوب پایه‌ای برای نظارت بعدی و ارزیابی را فراهم می‌کند. بر این اساس رویکرد چارچوب منطقی بهتر است علاوه بر این از روش‌های دیگر و سؤالات خاص بر اساس معیارهای ارزیابی استفاده می‌شود. معیارهای ارزیابی اقدامات توسعه در این مطالعه عبارتند از: ارتباط، ضربه، اثربخشی، کارایی و پایداری (DEIA، 2007، 25).

اهداف سند

سیاست منطقه‌ای استونیایی در آغاز از ۱۹۹۰ آغاز شده و اگر چه هدف کلی آن (متعادل‌کننده توسعه منطقه) باقی مانده، اما سیستم خود را چندین بار تغییر داده است. سیاست منطقه‌ای کنونی در استونی می‌تواند به عنوان مترادف نهادی سیاست‌های منطقه‌ای اتحادیه اروپا در استونی نام گیرد و به طور عمده بر توسعه گردشگری با تمرکز مناطق و محلات متمرکز بوده است. این پروژه با توجه تدارکات و فناوری اطلاعات و ارتباطات در میان اولویت‌های سیاسی در مناطق برخی از سازمان‌های توسعه به پروژه‌های بین‌المللی پیوست. به طور کلی، سیاست‌های منطقه‌ای استونیایی در تقویت هدف رقابت در مناطق و رویکرد مبتنی بر پروژه می‌باشد. همچنین هدف کلی از این سیاست عبارت است از کمک به توسعه‌ای که به طور کلی مناسب باشد و استونی را از نظر اقتصادی به تعادل رساند و از طریق حذف تنگناها در زیرساخت‌های محلی و افزایش جذابیت محلی مؤثر افتد.

همچنین اهداف خاص آن عبارت است از:

- ارائه فرصت‌های شغلی و بالا بردن کیفیت زندگی مردم محلی (به طور مشترک با اقدامات دیگر).
- از بین بردن تنگناهای محلی که مانع از استفاده از حداکثر پتانسیل توسعه محلی هستند؛
- افزایش مزیت‌های رقابتی خاص در مناطق در حال توسعه (DEIA، 2007، 27).

مراحل

مراحل کار سند منطقه‌ای استونیایی را که توسط وجوه ساختاری پشتیبانی می‌شود را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

الف) آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی برای اشتغال؛

ب) گردشگری محلی و تفریح؛

ج) زیرساخت‌های حمل و نقل محلی؛

د) زیرساخت‌های فنی شهرداری.

پس از سرمایه‌گذاری در زمینه‌های فوق؛ اساس تأثیرات اقتصادی و اجتماعی بررسی می‌شود و سپس شروط زیر نیز مورد توجه قرار خواهند گرفت:

۱- موارد مذکور به عنوان تنگناها در طرح توسعه محلی به روز و یا جامع ارائه شده‌اند؛

۲- به حداکثر رساندن رویکرد یکپارچه (برای جلوگیری از پروژه‌های پراکنده و جدا شده)؛

۳- کمک آشکارا به توسعه اجتماعی و اقتصادی (به طور عمده با مشخص کردن ارتباط با و یا پیوستن به دیگر اقدامات عملیات و یا برنامه‌ها)؛

۴- اثرات گسترده‌تر منطقه‌ای آن‌ها اندازه‌گیری خواهد شد. در این راستا دو طرح پشتیبانی جداگانه اجرا می‌شود. طرح اول را بخش‌های زیر پشتیبانی می‌کند: آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی برای اشتغال، زیرساخت حمل و نقل محلی، زیرساخت‌های فنی شهرداری. طرح دوم؛ گردشگری محلی و تفریحی و آماده استفاده مجدد از املاک قدیمی نظامی و صنعتی.

نتایج به دست آمده

سیاست منطقه‌ای استونیایی از سال ۱۹۹۰ آغاز شده است و سیاست منطقه‌ای کنونی در استونی منجر به "برنامه بهبود رقابت منطقه‌ای" و به طور عمده در توسعه گردشگری در تمرکز مناطق و محلات، فراهم آوردن فرصت‌های اشتغال و بالا بردن کیفیت زندگی مردم محلی، از بین بردن تنگناهای محلی که مانع از حداکثر استفاده از پتانسیل توسعه محلی می‌شود و توسعه مزیت‌های رقابتی خاص مناطق دیده شده است. منطق سیاست‌های منطقه‌ای استونیایی بر این فرض مبتنی است که شرایط زیرساخت‌های فنی و اجتماعی منطقه یکی از عوامل اصلی شکل دادن به کیفیت

زندگی هستند. در این راستا، عوامل کلیدی حمل و نقل خوب بین کار و زندگی مکان‌ها، و همچنین در دسترس بودن برخی خدمات عمومی (به عنوان مثال آموزشی، اشتغال و خدمات مختلف فنی) مطرح هستند. سیاست منطقه‌ای استونیایی در ارائه پیش شرط ضروری برای توسعه اقتصادی پایدار و برای افزایش اشتغال با استفاده از پتانسیل‌های خاص منطقه هدف‌گذاری شده است که اجرای این امر با هدف توسعه فرهنگی، کسب و کار و گردشگری محیط زیست مشخص و قابل اطمینان در مناطق از طریق فعالیت‌های یکپارچه متنوع صورت می‌پذیرد. دستیابی به اهداف ذکر شده با فرض تکیه بر ابتکار محلی و مشارکت، توسعه و برنامه‌ریزی تلاش مصلحت بلند مدت است که باید برای کمک به حفظ پایداری بخش مکمل با اقدامات دیگر پشتیبانی شود. وجوه ساختاری این بخش شامل: الف) آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی برای اشتغال، ب) گردشگری محلی و تفریح، ج) حمل و نقل محلی زیرساخت، د) زیرساخت‌های فنی شهرداری بوده‌اند. همچنین مهم‌ترین مباحث راهبردی پرداخته شده در RDS استونی شامل موارد: توجه به عنوان تنگناها در طرح توسعه محلی؛ به حداکثر رساندن رویکرد یکپارچه (برای جلوگیری از پروژه‌های پراکنده و جدا شده)؛ کمک آشکارا به توسعه اقتصادی اجتماعی (عمدتاً با مشخص کردن ارتباط یا لینک به سایر اقدامات/ عملیات و یا برنامه‌ها)؛ پیگیری اجرای دو طرح پشتیبانی جداگانه که طرح اول را بخش‌های زیر پشتیبانی می‌کند: آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی برای اشتغال، زیرساخت‌های حمل و نقل محلی و زیرساخت‌های فنی شهرداری و طرح دوم گردشگری محلی و تفریحی و استفاده مجدد از املاک و سایت‌های نظامی و صنعتی قدیمی را پشتیبانی می‌کند (۲۷-۲۹، ۲۰۰۷، DEIA).

سند استراتژی توسعه منطقه‌ای موراویای جنوبی

رویکرد اصلی در سند

استراتژی توسعه برای موراویا منطقه جنوبی یک سند مفهومی، با رویکرد بلند مدت (2006-2016) از منطقه است که به حمایت از توسعه در منطقه پرداخته است. این مجموعه اهداف توسعه استراتژیک منطقه را به عنوان یک برنامه کلی و کاربردی در نظر گرفته است (48، 2007، GaREP, Vysoké).

اهداف سند

پیشنهادات تحت استراتژی فوق به تجزیه و تحلیل مشخصات منطقه و همچنین به عنوان کل و همچنین اسناد استراتژیک و مفهومی منطقه‌ای و ملی است. که شامل چشم‌انداز و هدف جهانی منطقه جنوبی مورایا و همچنین اهداف جهانی و خاص از حوزه‌های اولویت‌دار توسعه است، با توجه به ماهیت این سند، که بسیار کلی است، اهداف و اقدامات پوشش کل طیف کلی از توسعه منطقه‌ای را در بر می‌گیرند و تعریف اقدامات و اولویت‌ها در اجرا کوتاه‌تر (معمولاً مدت ۳ سال) برای استراتژی و تعیین مراحل خاص برنامه توسعه منطقه‌ای، که به طور منظم برای این منظور به روز شد (GaREP, Vysoké, 2007, 48).

مراحل

مراحل انجام استراتژی توسعه برای منطقه مورایا جنوبی شامل فرایند زیر بوده است:

- ویژگی‌های مناطق، مراکز جمعیت، منابع انسانی، اقتصاد، زیرساخت‌های فنی، زیرساخت‌های اجتماعی، محیط زیست، منابع طبیعی و ویژگی‌های زمین، گردشگری و همکاری محلی و منطقه‌ای، تجزیه و تحلیل SWOT (قدرت (S)، نقاط ضعف (W)، فرصت (R)، تهدید (T) و پیشنهادات). همچنین در سند استراتژی توسعه منطقه‌ای مورایای جنوبی، حوزه‌های اولویت‌دار و اهداف جهانی و خاص شامل موارد زیر بوده‌اند:

- اولویت منطقه اول: اقتصادی
- اولویت منطقه دوم: محیط زیست
- اولویت منطقه III: منابع انسانی
- اولویت درست A: ساکنان و بازار کار
- اولویت منطقه IV: مراکز جمعیت
- اولویت منطقه V: حمل و نقل و فنی زیرساخت
- اولویت منطقه VI: همکاری

نتایج به دست آمده

استراتژی توسعه برای منطقه مورایا جنوبی یک سند برنامه‌ریزی است که رویکرد آن به سمت

کسب حمایت برای توسعه منطقه برای یک افق زمانی طولانی‌تر می‌باشد. اهداف استراتژیک آن توسعه منطقه را به عنوان یک کل و سایر قطعات عملکردی آن و اقدامات مهم که باید به تحقق اهداف منجر شود را مشخص می‌کند. می‌توان گفت سند برنامه اصلی تحت عنوان "استراتژی توسعه برای منطقه برنو" در سال ۱۹۹۹ نوشته شده بود، که تا آن زمان ایجاد نشده بود و سازمان‌های منطقه‌ای خود را هنوز انتخاب نکرده بود. لذا یکی از مهم‌ترین وقایع سال‌های اخیر، الحاق جمهوری چک به اتحادیه اروپا بوده است که به تاریخ سند برنامه تحت عنوان "استراتژی توسعه برای منطقه موراویای جنوبی" منجر گشت. در واقع بخش مهمی از استراتژی برای توسعه منطقه‌ای خلاصه‌ای از چارچوب مالی برای منطقه‌ای موراویای جنوبی می‌باشد، که وظیفه‌اش ارائه یک نمای کلی از وضعیت مالی موجود و روند ممکن در زمینه مالی است (۴ GaREP, Vysoké, ۲۰۰۷).

سند استراتژی توسعه منطقه‌ای کردستان عراق

رویکرد اصلی در سند

در طول مراحل توسعه، تفکر استراتژیک، به ویژه از آغاز هزاره سوم، به یک سری برنامه‌های استراتژیک موفق منجر شد، که به صورت گسترده توسط دولت‌ها و سازمان به تصویب رسید. در این میان آزمایش‌های عملی اثر خود را با توجه به تعامل با پویایی محیط زیست محلی و بین‌المللی و تغییرات مربوط به آن، که اغلب توسط تغییر ثابت و پیچیدگی افراطی مشخص به اثبات رسانده‌اند، نشان داده‌اند. این وضعیت به عنوان یک نتیجه از توسعه اقتصاد ملی و توسعه اقتصاد جهانی رخ می‌دهد، از سوی دیگر، علاوه بر پیامدهای جهانی شدن و تعامل بین اقتصادهای محلی و جهان است (Kurdistan Regional Government, 2011, 16). در این میان مهم‌ترین رویکردهای سند استراتژی توسعه منطقه‌ای را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- دستیابی به تعادل مطلوب بین نیازهای دولت و نیازهای جوانان؛
- افزایش بهره‌وری از برنامه توسعه جوانان از طریق اتخاذ یک رویکرد انتگرال به ارتباط بین اهداف برنامه؛
- ارائه فرصت‌های شغلی مناسب و کافی به تمام جوانان دارای تمایل به کار (Kurdistan Regional Government, 2011, 166).

(Kurdistan Regional Government Ministry of Planning).

اهداف سند

هدف از ایجاد تفکر استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) در عراق این بوده است که در چند سال گذشته منطقه کردستان از توسعه قابل توجهی در بسیاری از مناطق بهره برده است. این نتیجه از تلاش دولت برای به دست گرفتن فرصت‌های جدید برای بهبود زندگی مردم منطقه و زیرساخت‌های کردستان بوده است. توسعه اقتصادی، افزایش در تنوع محصولات محلی، افزایش در آمد فعلی، افزایش تولید ناخالص ملی و... نمونه‌هایی از آن بوده‌اند. در پرتو توسعه‌های رخ داده در منطقه کردستان، وزارت برنامه‌ریزی حکومت کردستان (MOP)، اتخاذ یک رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور افزایش فرایند توسعه را طی برنامه‌ای پنج ساله که مرجع برای تمام پروژه‌های توسعه و سرمایه‌گذاری آینده است را در نظر گرفت. در این طرح راهبردی، از تجربیات موفق تعدادی کشور در سراسر جهان بهره‌برداری شده که نهایتاً طرح توسعه استراتژیک را چند بعدی و مرتبط به هم معرفی نموده‌اند؛ که شامل تمام بخش‌های اقتصاد و نیاز به حضور اجتماعی مردم در آن لحاظ شده است.

مراحل

راهبرد توسعه منطقه‌ای در منطقه کردستان RDS به شکلی جامع و فراگیر در ۱۴ بخش شامل: اقتصاد کلان، بخش مالی، جمعیت و نیروی انسانی، بخش کشاورزی و منابع آب، صنعت، بخش انرژی، زیرساخت، آموزش و پرورش و آموزش عالی، بهداشت، گردشگری، ابعاد اجتماعی، توسعه فضایی و پایداری زیست محیطی، حکومت‌داری خوب و بخش خصوصی بوده است که برخی از بخش‌ها مانند ابعاد اجتماعی (در بخش‌های جنسیت، جوانان، گروه‌های آسیب‌پذیر، فقر، خانواده‌های شهدا، قربانیان نسل‌کشی، و زندانیان سیاسی) و زیرساخت (حمل و نقل، ارتباطات، آب و بهداشت، مسکن)؛ که در هر بخش اهداف RDS به طور مجزا برای همان بخش تدوین گردیده است، که بخش‌هایی مانند: چالش‌های استراتژیک، روند آینده، چشم‌انداز، مأموریت، اهداف RDS، نظارت و ارزیابی استراتژیک، شاخص دستاورد هدف، شاخص‌های نظارت دستاورد اهداف) در تمام بخش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است و برخی از

بخش‌ها با توجه به اهمیت بیشترشان از جنبه‌هایی بیشتری مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال: بهبود محیط اقتصادی و رشد متوازن در منطقه‌ای و سطح بخشی، توسعه سیستم‌های بانکی، بهبود منابع بودجه، تنوع بخشیدن به منابع درآمد، و تلاش‌های ویژه‌ای برای بازسازی زیرساخت‌های گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی در حمایت از صادرات، اتخاذ یک استراتژی برای بالا بردن وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و فرصت مشارکت، دستیابی به بهره‌برداری بهینه از منابع آب، حفاظت از اراضی کشاورزی، افزایش سهم تولید ناخالص داخلی، یکپارچه‌سازی پشتیبانی بین بخش‌های صنعتی دولتی و خصوصی، بهبود موقعیت جغرافیایی منطقه در رابطه با حمل و نقل و ترانزیت، ریشه کن کردن بی‌سوادی، ارائه فرصت‌های آموزش و پرورش برای همه و حذف شکاف آموزشی بین مناطق شهری و روستایی؛ حفظ، بازسازی و توسعه هویت فرهنگی و هنری کردستان، بهره‌برداری از ویژگی گردشگری دینی، تاریخی، طبیعی، فرهنگی و تمدنی و پتانسیل، اصلاح سازمان اقتصادی و حقوقی برای رسیدن به برابری در حقوق و فرصت‌ها برای زنان و مردان، قانون خانواده، حفاظت در برابر خشونت، حق مالکیت، اشتغال، حقوق سیاسی، و ارث، کنترل غلظت جمعیت در برخی از شهرستان‌ها؛ تعدادی از زیر بخش‌ها در ۱۴ بخش بوده‌اند.

نتایج به دست آمده

استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) در شمال عراق - هدف از ایجاد تفکر استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) در عراق این بوده است که در چند سال گذشته منطقه کردستان از توسعه قابل توجهی در بسیاری از مناطق بهره برده است که این امر نتیجه تلاش دولت برای به دست گرفتن فرصت‌های جدید برای بهبود زندگی مردم منطقه و زیرساخت‌های کردستان شده است. توسعه اقتصادی، افزایش در تنوع محصولات محلی، افزایش در آمد فعلی، افزایش تولید ناخالص ملی و... . نمونه‌هایی از آن بوده‌اند. در پرتو پیشرفت‌های رخ داده در منطقه کردستان، وزارت برنامه‌ریزی حکومت کردستان (MOP)، اتخاذ یک رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور افزایش فرایند توسعه را طی برنامه‌ای پنج ساله که مرجع برای تمام پروژه‌های توسعه و سرمایه‌گذاری آینده است را در نظر گرفت. در این طرح راهبردی، از تجربیات موفق تعدادی کشور در سراسر جهان به بهره برده شده است که نهایتاً این طرح توسعه استراتژیک را چند بعدی

و مرتبط به هم معرفی نموده‌اند؛ که شامل تمام بخش‌های اقتصاد و نیاز به حضور اجتماعی مردم در آن لحاظ شده است. راهبرد توسعه منطقه‌ای در منطقه کردستان RDS به شکلی جامع و فراگیر در ۱۴ بخش شامل: اقتصاد کلان، بخش مالی، جمعیت و نیروی انسانی، آب و کشاورزی، بخش منابع، صنعت، بخش انرژی، زیرساخت، آموزش و پرورش و آموزش عالی، بهداشت، گردشگری، ابعاد اجتماعی، توسعه فضایی و بوده است که در هر بخش اهداف RDS به طور مجزا برای همان بخش تدوین گردیده است. به عنوان مثال: بهبود محیط اقتصادی و رشد متوازن در منطقه‌ای و سطح بخشی، بهبود منابع بودجه، تنوع بخشیدن به منابع درآمد، و تلاش‌های ویژه برای بازسازی زیرساخت‌های گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی در حمایت از صادرات، اتخاذ یک استراتژی برای بالا بردن وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و فرصت مشارکت، دستیابی به بهره‌برداری بهینه از منابع آب، افزایش سهم تولید ناخالص داخلی، یکپارچه‌سازی پشتیبانی بین بخش‌های صنعتی دولتی و خصوصی، بهبود موقعیت جغرافیایی منطقه در رابطه با حمل و نقل و ترانزیت، ریشه‌کن کردن بی‌سوادی، ارائه فرصت‌های آموزش و پرورش برای همه و حذف شکاف آموزشی بین مناطق شهری و روستایی، حفظ و توسعه هویت فرهنگی و هنری، قانون خانواده، حفاظت در برابر خشونت، حق مالکیت، اشتغال، حقوق سیاسی، و ارث، کنترل غلظت جمعیت در برخی از شهرستان‌ها (Kurdistan, 2011: 1-215).
 (Regional Government Ministry of Planning).

نتیجه گیری

نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در باب توسعه منطقه‌ای و سیر تکامل آن‌ها نشان می‌دهد که استراتژی توسعه منطقه‌ای به‌عنوان رویکردی نوین، کارآمد و آزموده شده جهت دستیابی به توسعه پایدار منطقه‌ای می‌باشد که شاید چنین دیدی را با نگاهی از درون و جزئی توان به دست آورد. جهت فراهم شدن چنین شرایطی و تسهیل در انجام آن لازم است در ابتدا شهرها از درون به‌طور هدفمند مورد هدایت و ساماندهی قرار گیرند. بدین ترتیب نظام شهری عبارت است از مجموعه‌ای از شهرهای وابسته به هم که ساختار نظام سکونتگاه‌های شهری در یک ناحیه، منطقه، کشور و جهان را پدید می‌آورند. نظام شهری علاوه بر مجموعه کالبدی از سکونت‌گاه‌ها، شامل جریان‌ها و ارتباطات میان سکونت‌گاه‌ها نیز می‌باشد. برخی از این ارتباطات عبارت‌اند از

جریان سرمایه، جمعیت، عوامل تولید، اطلاعات و نوآوری‌ها (حیدری، ۱۳۹۲: ۸۴).
استراتژی توسعه منطقه‌ای از طریق توسعه هماهنگ و یکپارچه و سرمایه‌گذاری‌های پراکنده در کل منطقه با ایجاد محورهای توسعه موافق است، هم چنان که تهیه طرح استراتژی توسعه منطقه‌ای در کشورهای ایرلند شمالی، استونی، موراویای جنوبی و کردستان عراق با تفاوت‌های طبیعی، ساختاری، اقتصادی و سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی گواهی بر این مدعاست.

همچنین با توجه به تجارب و نمونه‌های بررسی شده از طرح (RDS) این گونه استنباط می‌شود که رسیدن به توسعه متوازن و پایدار منطقه‌ای در ابتدا مستلزم شناخت وضعیت فعلی منطقه می‌باشد، مانند رتبه‌بندی بر اساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی و ... که غفلت از این اهداف انسانی و اجتماعی در طرح‌های توسعه شهری، شهرها را با چرخه نامطلوبی از عدم تعادل‌های اجتماعی- اقتصادی روبه‌رو و چالش‌های بی‌سابقه‌ای چون بی‌عدالتی در توزیع خدمات عمومی و سلامت اجتماعی شهری را سبب گشته است. در این رابطه، توجه به تخصیص منابع از سوی مدیریت شهری، با توجه به میزان تأکید بر عدالت اجتماعی، رضایت جمعیت شهری را به دنبال خواهد داشت، زیرا تخصیص منابع همراه با عدالت اجتماعی، مردم شهری را در سهولت دسترسی به خدمات شهری و نیز افزایش کارایی آن‌ها یاری می‌دهد. بنابراین برخورد صحیح مدیریت شهری با واقعیت پیچیده‌ای چون شهر و ملزومات مختلف آن، نیازمند درک جامع و مدیریت سیستمی شهر به‌ویژه از بعد تأمین امکانات و خدمات مختلف شهری، لزوم پراکنش صحیح آن و اجرای عدالت فضایی در برخورداری از امکانات و خدمات مناسب زیستی می‌باشد (زیاری، مهدیان بهنمیری و مهدی، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

در واقع بر اساس نمونه‌ها مورد بررسی به نظر می‌رسد که الگوی RDS در این زمینه با در نظر گرفتن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی موجود؛ مشارکت اجتماع‌های محلی و توجه مضاعف به زیر مناطق و توانمندسازی استعدادها بالقوه آنان جهت واگذاری برخی از مسئولیت‌های شهر یا منطقه اصلی، تقویت بخش‌های اقتصادی و مالی، جمعیت و نیروی انسانی، دستیابی به بهره‌برداری بهینه از منابع آب، بخش منابع، صنعت، خدمات و انرژی، توسعه فضایی، رشد متوازن در منطقه‌ای و سطح بخشی، بهبود در وضعیت منابع بودجه، تلاش برای بازسازی زیرساخت‌های گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی در حمایت از صادرات، اتخاذ یک استراتژی برای بالا بردن وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و فرصت مشارکت، افزایش سهم

تولید ناخالص داخلی، یکپارچه‌سازی پشتیبانی بین بخش‌های صنعتی دولتی و خصوصی، بهبود موقعیت جغرافیایی منطقه در رابطه با حمل و نقل و ترانزیت، ریشه‌کن کردن بی‌سودای، حفاظت در برابر خشونت، حق مالکیت، اشتغال، حقوق سیاسی، کنترل غلظت جمعیت و بسیار مؤثر عمل می‌نماید. حال از آن جایی که الگوی RDS بسیار منعطف عمل می‌کند و ابداً قطعی و الزامی دستوری صادر نمی‌کند؛ می‌توان در شرایط مختلف راهکارهای اجرایی متفاوتی را برای الگوهای آن ارائه نمود. با این توضیح حرکت و ادامه مسیر زیر مناطق و بالتبع شهرها، باید در راستای اهداف استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) صورت گیرد.

همان‌گونه که بیان شد؛ راهبرد توسعه منطقه‌ای با تفکر راهبردی، اجتماع‌محور و انعطاف‌پذیر خود در برقراری تعادل‌های منطقه‌ای بسیار مؤثر است چرا که در این الگو تلاش می‌شود تا از توان‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات و همکاری تمامی مناطق بهره‌جست و آن را به بهترین شکل ممکن سازمان دهی کرد.

منابع

- پژوهان، موسی (۱۳۹۳)، «راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) و راهبرد شبکه منطقه‌ای (RNS)؛ مقدمه‌ای بر ادغام یک دستورالعمل توسعه‌ای در یک پارادایم نظری»، **همایش ملی نظریه‌های نوین در معماری و شهرسازی**، قزوین.
- حیدری، علی (۱۳۹۲)، «تحلیل ابعاد کالبدی- فضایی تمرکزگرایی در نظام شهری ایران»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۴۷، صفحات ۱۰۰-۸۳.
- داگلاس، مایک (۱۳۸۹)، «استراتژی ایجاد شبکه منطقه‌ای به منظور تقویت پیوندهای میان شهر و روستا»، ترجمه: سوسن چاره‌جو، **کتاب ماه علوم اجتماعی**، شماره ۲۰، صفحات ۹۵-۸۶.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۹)، **مدیریت توسعه روستایی (بنیان‌های نظری)**، تهران، سمت.
- سجودی، مریم (۱۳۹۵)، **تدوین الگوی استراتژی توسعه منطقه‌ای شهرستان رشت**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: یاسوری، مجید، دانشگاه گیلان.
- صرافی، مظفر؛ نجاتی، ناصر (۱۳۹۳)، «رویکرد نو منطقه‌گرایی در راستای ارتقای نظام مدیریت توسعه فضایی ایران»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۴.
- محمدی، علیرضا (۱۳۹۲)، «راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS)»، **اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار**، تهران.

- Acioly Claudio (2003), *The Meaning and Scope of Urban Management: An Introductory Note*, in Sirry, Azza 'Urban Management Practices in

Secondary Cities in Egypt: the case of Belbeis', EliasModern Publishing House, Cairo, Egypt.

- Regional Development Strategy Of Estonia(2005-2015), **Regional Development Department of the Ministry of Internal Affairs.**
- UK Department for Regional Development (DRD)(2003), **Northern Ireland Regional Development.**
- UK Department for Regional Development(DRD)(2008), **Northern Ireland Regional Development**
- UK Department for Regional Development (DRD) (2013), **Northern Ireland Regional Development Strategy 2035.** For Northern Ireland. Department for Regional Development. Strategic Planning and Co-ordination Division. From: www.drdsn.gov.uk/RDS2035. Accessed on 18 November 2013.
- Othman Sindi, Ali, Regional Development Strategy for Kurdistan Region 2012-2016 (2011), **Kurdistan Regional Government Ministry of Planning**
- GaREP, spol. s r. o , Vysoké učení technické v Brně, (2007),**Regional Development Strategy-South Moravian Region**, Concise versin for general public, Published by the Department of Regional Development, the Authority of the South Moravian Region, BRNO.
- Yann Chiu(2009), Shenthe Use of Corporate Synergy Systems in Promoting Industrialwaste Minimization in Small and Medium Enterprises in Taiwan, **Taiwan Environmental Management**, As sociation, Taipei International Green Productivity Association, Taipei (2009).pp105-115.